

روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۴ اسفند ۱۳۹۹ - ۱۵ رجب ۱۴۴۲_ ۲۲ فوریه ۲۰۲۱ - شماره ۱۶۳۷ - سال ششم
۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضربرب کیفی ۶۷۴
t.me/HamdeliNews newspaper.hamdeli@gmail.com
صاحب امتیاز: مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان
چاپ: صمیم ۰۲۱-۴۴۵۳۳۷۷۵
نشانی: تهران- زرتشت غربی - نرسیده به بیمارستان مهر - پلاک ۵۶ - واحد ۲
تلفکس: ۰۲۱۸۹۶۴۵۳۳ - ۰۲۱۸۹۹۴۶۰۸

گاه و روزنامه‌نگاری

دو گوشه از کشورمان



تاهر اکونانیا
روزنامه‌نگار

نرسد تعریف چندانی نخواهد داشت. او نماد مردم تنها مانده این روزهاست که نمی‌دانند عاقبت‌شان چه می‌شود.

۲- در خبرهای این چند روز می‌خوانیم که تست منفی کرونا برای ورود به ایران از مرز عراق خرید و فروش می‌شود؛ چندان چیز عجیبی نیست، اگر چه بازی با جان مردم است و به نوعی دیگر جای هیچ حرفی باقی نمی‌گذارد؛ اما چرا این درجه از بی‌شرمی و زد و بند رخ می‌دهد و عیان می‌شود؟

چون در سالیان گذشته محیط زیست که جان انسان‌ها بسته به آن است تخریب و واگذار شده و فضای سبز شهری جولانگاه بساز و بفروش‌های وابسته می‌شود و اتفاقی نمی‌افتد! چون خزانه بانک مرکزی به یغما می‌رود و مجرمان معلوم نیستند! چون مردم در ادارات مختلف برای جوابی سرگرداند و چاره‌ای ندارند! چون بوی بهبود به مشام کسی نمی‌رسد ...

این دو را که نمونه‌ای از بی‌سروسامانی است بگذاریم در کنار نمونه‌های دیگری که هر کسی روزانه می‌بیند و کاری از دستش بر نمی‌آید.

چهارم

علی کریمی: در برنامه ضبط شده مناظره نمی‌کنم

دست رد جا دوگر بر سیئه رسانه ملی

ایفا کند، اما به نظر می‌رسد اکنون در فاصله هفت روز تا انتخابات، ساختن این برنامه چندان به نفع فوتبال نخواهد بود.

وی در پایان نوشت: «لذا ضمن تشکر از دعوت شما برای حضور در برنامه فوتبال برتر، ترجیح می‌دهم برنامه‌های خود را برای اداره فدراسیون فوتبال در فضای دیگر به اطلاع مردم عزیز و اعضای محترم مجمع برسانم».

انتخابات فدراسیون فوتبال روز ۱۰ اسفند برای شناخت رئیس و اعضای هیات رئیسه برگزار خواهد شد.

به همین خاطر شبکه سه سیما از چهار کاندیدای ریاست این فدراسیون دعوت کرده است که برای ارائه برنامه‌هایشان به تلویزیون بروند.

علی کریمی، شه‌ال‌الدین عزیزی خادم، کیومرث هاشمی و مصطفی آجورلو گزینه‌های ریاست فدراسیون فوتبال هستند.

طاقچه تاریخچه

۳ اسفند زادروز پروفیسور محمود حسابی



تهران به فرمان رضاشاه، تاسیس دانشکده فنی، تاسیس موسسه ژئوفیزیک، تاسیس مدارس عشایری، تاسیس سازمان انرژی اتمی، تاسیس سازمان هواشناسی، تاسیس رصدخانه جدید، تاسیس فرهنگستان زبان، تاسیس موسسه استاندارد، تاسیس انجمن موسیقی، تاسیس رادیولوژی، تاسیس نقشه‌برداری و بسیاری خدمات دیگر.

همچنین تالیفات زیادی در زمینه‌های علمی، فرهنگی، فیزیک و زبان داشته است. او نایب‌های کم مانند بود که عمرش در راه خدمات به ایران و جهان گذشت.

پروفیسور حسابی که در سال ۱۲۸۱ در تهران به دنیا آمده بود سرانجام در بیمارستان دانشگاه ژنو به هنگام معالجات قلبی، در ۹۰ سالگی در گذشت و بنا به‌خواست خودش، در آرامگاه خانوادگی در شهر دانشگاهی نقرش به‌خاک سپرده شد.

ما همسواران ما محصله

نگاهی به دفتر شعر «بلد نیستم جهان را بدوم»

توی کافی شاپ همین حوالی



فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

در این اشعار آورده است. البته در این روند، شاعر گاهی سرخوشانه دست به بازی‌های زبانی هم می‌زند: «روبه‌روی غروب قبرستانی که ندیدمت دیدمت دیدمت/اتفاقن سلامی نگفتی گفتی گفتی ایه پیراهن سیاه مسیح که نفس نکشیدت کشیدت کشیدت/توی ذهن من باد بزَن بزن زن زن/اصلن فراموش کن خواب ندیدی دیدی دیدی...» این زبان مرا یاد شعر «خذف» براهنی می‌آورد با این تفاوت که کارهایی هم با موسیقی همراه است و هم معنی دارد. در حالی که در کارهای پاسمدرنیستی براهنی اغلب با اصطکاک کلمات و صوت و موسیقی روبه رو می‌شویم. شاعر گاهی رویدادهای واقعی را به نحو هجوآمیزی روایت می‌کند و انقطاع روایی به وجود می‌آورد و گاهی به ادبیات و موسیقی و کلمات ایل بختیاری که مورد علاقه مردم است اشاره می‌کند. او در این راه گاهی از روایت اصلی دور می‌شود و چند پاره روایت ناقص را جانشین یک روایت جامع می‌کند و گاهی اتصال کوتاه وجودشناسی بین دنیای داستان و دنیای واقعی ایجاد می‌کند. برای آن که برای این ویژگی‌ها مثالی بیآوریم لازم است که کتاب‌های‌هایی

یادداشت

پوپولیسم و استبداد

قوانین دلخواه خود را به تصویب رساند، قدرت را از مجلس گرفت، دست پلیس مخفی‌اش (گشتاپو) را در هر گونه سرکوب و ترور و پیگرد مخالفان آزاد گذاشت. او در واقع جامعه آلمان را به دو دسته، یکی طرفداران حکومت نازی و نژاد برتر آلمان و دیگری مخالفان سیاسی و نژاد غیر آلمانی - آریایی تقسیم کرد که برای دسته دوم هیچ گونه حق شهروندی قائل نبود و آن‌ها را از اشتغال در مشاغل مهم محروم کرد. در صحنه جهانی هم سیاست جنگ‌افروزی را در پیش گرفت و بعد از قتل و نابودی مخالفان داخلی با سوءاستفاده از باورها و تعصبات نژادی و توهم و روان‌پریشی و ناسیونالیستی افراطی - نژادی دامن زده شده در جامعه آلمان جنگ دوم جهانی را رقم زد که نتایج‌اش کشتار میلیون‌ها نفر و ... بود. در این طرف عالم هم در جنگ ایران و روس قوای روس تیریز را اشغال کرده و به سمت دیگر شهرهای آذربایجان پیشروی می‌کردند، اما فتعلی‌شاه - این حرمساردار کبیر که نه سپاهیان‌ش مجهز بودند و نه تدبیر و تدبیرهای داشت - دست به عوام‌فریبی و تبلیغات دروغین زد و درباریان و اقبال مردم را بار عام داد و در سعات مقرر با کبکیه و دیدبه بر تخت سلطنتی جلوس کرد و طبق سناریوی از پیش تهیه شده چنین فرمود: «اگر امر کنیم که ایالات جنوب و شمال با هم همراهی کنند و بر روس منحوس بنژاند، دمسار از روزگار این

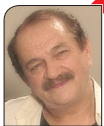


جهانگیر ایزدینپناه

فعال اجتماعی

حکومت خود-کامگمان مستبد برحسب ساختار اقتصادی- تولیدی و فرهنگی در قالب‌های مختلفی نظیر سلطانی، پادشاهی، خلافت، تک حزبی، نظمی و... شکل می‌گیرد که علاوه بر حربه اصلی، ترس و ارعاب از عوامل گوناگون دیگری نظیر تبعیض، عوام‌فریبی و سوءاستفاده از باورها، تبلیغات دروغین برای اهداف شوم استثماری، استبدادی خود بهره می‌برد. هیتلر گرچه دارای شخصیتی خشن و مستبد بود، اما این زمینه و ساختار روانی و ایدئولوژی برتری نژادی و توهم‌آمیز بخش وسیعی از جمعیت جامعه آلمان بود که وی را به قدرت رساند و خودکامگی و استبداد را بر جامعه حاکم ساخت. حکومت هیتلری گروه‌های سرکوبگر و افراطی وابسته به حزب نازی را گسترش و مخالفان سیاسی و همچنین غیرآلمانی‌ها را تحت پیگرد قرار داد و اکثر مخالفان سیاسی را ترور کرد، به وسیله گروه‌ها و سازمان‌های سرکوبگر و چماداران سازماندهی شده نازی، احزاب و سازمان‌های سیاسی مخالف خود را به طرق مختلف نظیر درگیری و به هم زدن متینگ‌ها و سخنرانی‌ها از عرصه خارج کرد. هیتلر به تدریج

کاوشی در فرهنگستان کانونیه



قاسم رمضانیاں

نویسنده

فرهنگستان نخستین کرده، آن‌ها را جایگزین لغات مهجور، کلمات قدیمی، واژه‌های بد آهنگ و اصطلاحات ثقیل و نامربوط کردند. برای نمونه به جای عنوان خباز، واژه (نانوا)، دو (دارو)، قلیبه (ماما)، کنفرانس (سخت‌زانی)، مطبعه (چاپخانه)، اثاث البیت (لوازم خانه)، مالیه (دارایی)، اطفاییه (آتش‌نشانی) کلینیک (درمانگاه)، مریض‌خانه (بیمارستان)، معرفتالروح (روان شناسی)، عدلیه (دادگستری) و بسیاری واژگان دیگر ساخته و پرداخته و مصوب کردند که بیشترین این واژه‌ها با پذیرش و اقبال عمومی مواجه شد و رواج یافتند.

بی‌تردید فرهنگستان اول از نظر آفرینش لغات و اصطلاحات، واژه‌گزینی، معادل‌یابی و برابرگزینی واژگان کاربردی موفق‌ترین فرهنگستان‌های زبان و ادب پارسی از آغاز تا به امروز به‌شمار می‌رود. هنگامی که کارخانه اتومبیل‌سازی ایران ناسیونال در سال ۱۳۴۲ راه‌اندازی شد و کوتاه زمانی پس از تولید اتوبوس و وانت بار، اتومبیل سواری را به بازار عرضه کرد و نام پارسی «پیکان» را برای

زنگار و سنج

از ابلیس هرگز نیاید سجود نه از بد گهر نیکویی در وجود بد اندیشی را جاه و فرصت مده عدو در چه و دیو در شیشه به مگو شاید این مار کشتن به چوب قلم سر زبر سنگ تو دارد بکوب قلم زن که بد کرد با زیردست قلم بهتر او را به شمشیر دست

منتق تکاملت

توهم (اختلال در ادراک):

توهم یعنی تجارب حسی یا ادراکی است که هیچ منبع خارجی واقعی ندارند، مانند شنیدن صدای شیطان که به فرد دستور کشتن کسی را می‌دهد. فرد عادی از طریق جریان پیچیده غریبال کردن و از صافی گذراندن اطلاعات حسی قادر به انتخاب، تطبیق و تشخیص انبوه محرک‌هایی که همواره به وی ارائه می‌شوند، بوده و بدین‌وسيله می‌تواند دنیای خود را به طریقی عادی و معنی‌دار ادراک کند. ولی بیمار سیکوتیک بر عکس به طور آشکار قادر به غریبال کردن اطلاعات آشفته یا تشخیص اطلاعات مربوط و نامربوط نیست، او در حد زیاد نسبت به تمام محرک‌ها، خواه از منابع داخلی باشند یا خارجی، حساس است و قادر نیست که ادراک‌های خود را به صورت یک الگوی معنی‌دار، وحدت و انسجام بخشد.

درس‌نویسی

استفاده از «است» به جای «می‌باشد»:

به دو دلیل بهتر است که از «می‌باشد» به جای «است» استفاده نشود:

۱- «می‌باشد» و دیگر صیغه‌های «باشیدن» در گفتار عادی مردم رایج نیست و زبان نوشتار بهتر است که به زبان روزمره نزدیک‌تر باشد. ۲- ثانیاً این‌که «می‌باشد» به عنوان فعل اسنادی هیچ فرقی با است ندارد و نیازی نیست جایگزین آن شود.

شازدین

خیانت در امانت



مژگان مسلمی

کارشناس حقوق

اگر مالک یا متصرف شخصاً مالی را به دیگری بسپارد و امین به طور متقلبانه اقدام به تصاحب یا تلف یا استعمال بدون مجوز مال کند و پس از استرداد توسط مالک، امین مال را مسترد نکند، جرم خیانت در امانت محقق شده است.

مجازات خیانت در امانت، خسارت و ۶ ماه الی ۳ سال حبس دارد. البته اگر از سفید امضاء و سفید مهری که به شخص سپرده شده باشد یا به هر نحوی به‌دست آمده باشد سوءاستفاده شود، مرتکب به یک تا ۳ سال حبس محکوم می‌شود.

داستانک

پستچی



حسن صفربور

داستان‌نویس

از وقتی یاد دارم دو پستچی شهر ما با موتورهای یاماها ۱۰۰ می‌آمدند و نامه‌ها و بسته‌های پستی را به خانواده‌ها تحویل می‌دادند. هر دو پستچی شهر ما وظیفه‌شناس و جدی بودند و بدون معطلی و وقت وقت، نامه‌ها را به خانواده‌ها می‌رساندند. آن وقت‌ها بیشتر نامه‌ها از جیبه‌ها می‌آمد و چندان بسته‌های در کار نبود. بعد از بازنشسته شدن دو پستچی خوش سلیقه و وقت‌شناس، دیگر نامه باب دلی به دست کسی نرسید و ما هم از دیدن روی آدم‌های جدی محروم شدیم. حالا محله ما یکی پستچی دارد که بیشتر نامه‌ها و بسته‌ها و گاه قبضی‌ها را به موقع نمی‌رسانند یا اصلاً تحویل نمی‌دهد. یک روز که ساعت ۷ صبح در خواب ناز و گرم بودم پستچی جوان چنان به در کوفت که بسا پتو تا جلو در رفته‌م و با همان هیبت در را باز کردم، بسته‌ای را تحویلیم داد و گفت این مربوط به شماست، بسته را گرفتم و نگاهی کردم و گفتم مال من نیست و پستچی اصرار می‌کرد که مال خودتونه.

خلاصه این جریان تا چند روز ادامه داشت و آخر بسته را تحویل گرفتم و دیدم هدیه‌ای است از طرف اپراتوری که اصلاً نمی‌دانم چطور برای من فرستاده شده است! امروز که یکی از پستچی‌های قدیمی را اتفاقی در بازار دیدم ماجرای بسته رسیده را برایش تعریف کردم با خنده‌های شیرین گفتم که حالا تحری نیست و زیاد در بحر نامه رساندن همکار ما نباش. موقع خداحافظی می‌گفت که هدف پستچی رساندن محموله به صاحبش است و ما تا صاحب محموله ارسالی را پیدا نکنیم آرام و قرار نداریم و این رسیدن سرنوشته همه بسته‌هایی است که به اداره پست می‌آیند و گاه چند روز و حتی چند ماه در راهروها و گونی‌های اداره سرگردانند.

با خودم گفتم این بار که پستچی جوان را دیدم به او می‌گویم هر بسته یا نامه‌ای را که گیرنده‌اش پیدا نشده‌به من تحویل بده تا خیالت از آشفتگی نرسیدنش راحت باشد.



Delfino Flores Garcia- Mexico

دریچه